

تولید فکر و وجود اندیشمندان در هر جامعه‌ای می تواند به عنوان موتور محرک پیشرفت و تعالی آن جامعه موثر باشد. یکی از افتخارات هر کشور و ملتی هم بایلدن به عقیده بر بار از اندیشمندان، ادبا، متفکران، فیلسوفان و عالمانی است که نسل به نسل سرمایه و میراث فرهنگی و تمدنی خود را با وجود سختی ها و در ترها پاسداری کرده و به نسل بعد منتقل کرده‌اند. کشور ما در این موضوع به لطف عقبه تمدنی و فرهنگی عظیم در دوران های مختلف چه قبل از اسلام و پس از ورود بر خیر و برکت اسلام به این سرزمین کهن همواره جزء سردمداران و نمونه‌های عینی یک ملت و کشور دارای تمدن و عقبه بر ارزش فکری و انبوه اندیشمندان و مفاخر کهن نظیر و بی نظیر در زمینه‌های مختلف بوده است و همچون نگینی در بین کشورها و تمدن های مختلف جهان می درخشید. میراث تمدنی و فرهنگی ما حتی فراتر از سرزمین مادری راهگشا و چراغ راه بسیاری از مردم عالم از گذشته تا کنون بوده است.اما موضوع مهمی که باعث نگارش این نوشتار شد، آسیب دیدن جریان جوشان تولید فکر و تمدن در کشور ما است که هر چند هنوز در حال تولید و خدمت به بشریت است اما از برخی عوامل آسیب دیده است. یکی از این عوامل آسیب زا خارج نشدن جریان تولید فکر از دست متفکران و صاحبان اندیشه و ورود بر برخی افراد معروف به سلسلربتی با عقبه فکری و علمی ضعیف و کم رمق و البته اعتیاد به دیده شدن و البته بهره گیری گسترده آنها از وسایل از تباهی از جمله فضای مجازی است.

گفتیم که اکنون جریان تولید فکر و تمدن ساز در کشور ما تحت تاثیر برخی عوامل از جمله بروز و ظهور طبقه‌ای خاص قرار گرفته است. برای درک بهتر موضوع مورد بحث ابتدا دو مقدمه را بطور خلاصه بیان می کنیم.

مقدمه نخست: نخبگان و تولید فکر

به گفته جامعه شناسان، یک جامعه دارای لایه‌های مختلفی است که عمیقترین لایه آن، تولید فکر و اندیشه است به طوری که اندیشه و فکر تولید یافته در این عمق به لایه‌های بیرونی میباز می‌شود. تولید مستقیم و غیر مستقیم این لایه بر لایه‌های دیگر جامعه غیر قابل انکار و تشکیک است. بر این اساس، این عمق باید جایگاه کسانی شود که از استطاعت تولید فکر، تحلیل قوی و نگاهي ژرف به مسائل برخوردارند، و این افراد در حقیقت نخبگان جامعه هستند.

این افراد یعنی همان نخبگان جامعه عموما در پشت صحنه فعالیت دارند و معمولاً محصول کار آنان که همان فکر و اندیشه است دیده و لمس میشود، در صورتی که خود آن فرد ممکن است نزد لایه‌های بیرونی جامعه ناشناخته باقی بماند و حتی تا آخر عمر جز افراد اندکی، کسی دیگر با چهره وی آشنا نشود، هرچه که ممکن است نام وی را شنیده باشند.

تولید فکر و تمدن ساز در هر جامعه‌ای می تواند به عنوان موتور محرک پیشرفت و تعالی آن جامعه موثر باشد.

در شرایط کنونی جامعه ما طیف دیگری که این روزها به شدت مشغول به اصطلاح تولید فکر هستند وجود دارند که چون به دلایل مختلف شرایط احراز این جایگاه را ندارند و صرفا به دلیل مشهور بودن یا محبوب بودن به دلایلی و در بین عده‌ای و همچنین داشتن وسیله ارتباطی گسترده از جمله فضای مجازی جایگاه نظریه پردازي و خودنمایی را پیدا کرده است. این تبدیل به عوم جریان عادی و ریشمدار تمدن سازی و تولید فکر توسط نخبگان و متفکران جامعه شده‌اند.

در مقدمه سوم به رویداد مورد اشاره قرار داده می‌شود، لیکن قبل از اشاره به آنها، برای جلوگیری از انحراف ذهن باید یادآوری شود که این رویدادها تنها از نامب نمونه و شاهد مثال و نماینده طیف گسترده‌ای از کش‌های مشابه است، پس آنچه که مهم است نه خود این سه مثال بلکه کشش و واگویی آن کش است که در ادامه خواهد آمد. به بیان دیگر، مسئله این یادداشت نه نفس آن مثال‌ها بلکه پاسخ به دو پرسش است. اول اینکه؛ اساسا چرا در این سال‌ها جریان سلبریتیسم در همه جریان‌های اجتماعی، سیاسی… در حالی که در اکثر آنها فاقد آگاهی‌های ابتدایی و اولیه هستند اظهار نظر- در حد و اندازه صاحبان نظر در آن حوزه‌ها- دارند؟ و دوم اینکه؛ چرا جریان سلبریتیسم اکثراً در پدیده‌ها و رخداد‌های منفی اجتماعی حضور می‌یابد و از رویدادها و موارد مثبت صرف نظر می‌کند؟

حال با درنظر داشتن این سؤال‌ها، سه رویدادی را که اخیراً اتفاق افتاده مرور می‌کنیم.

از تورهای گران قیمت خارجی تا سفر معنوی اربعبین

رویداد اول، مربوط به خبری است که در شبکه‌های مجازی پیچیده و آن عبارت است از هزینه‌های گزاف تورهای خارجی که هرچه سال به سال زیادتر می‌شود. تولیدیفات آن افزایش می‌یابد. این تورهای گران قیمت که همواره مشتریانی خاص همچون طبقه مرفه جامعه و سلبریتی‌ها دارند در حالی بدون هیچ‌گونه ان فلتی از سوی مشتریان دائمی و خردشان مورد استفاده قرار میگیرند که سفرهای زیارتی به ویژه پیاده روی اربعبین که مورد توجه و اعتماد عموم جریان عادی و رفاهی برخی

بازنشستگی مدیران قدیمی و سپردن امور به جوانان باید با فرآیندی شایسته‌سالارانه همراه باشد و گزینه‌های مدیریت از فرآیندی پاک و مبتنی بر شایسته سالاری بیرون آیند.

واقعیت آن است که کسب قدرت و در اختیار داشتن مناصب کلیدی، موقعیت حساسی است که بسیاری برای دستیابی به آن چشم طمع دارند و حاضرند برای دستاوردی به آن هر اقدامی کرده و خطوط قرمز قانونی را زیر پا بگذارند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز سه‌شنبه دوم مرداد ۱۳۹۷، با اکثریت آراء طرح اصلاح قانون ممنوعیت کارگیری بازنشستگان را تصویب کردند و شورای نگهبان نیز کلیات این مصوبه مجلس را در جلسه روز ۱۷ مرداد این شورا، تأیید کرد، اما در بخش‌های ایراداتی به آن وارد کرده بود که در همه‌ای از سوی شورای نگهبان، این ایرادات به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

در نهایت پس از رفع ایرادات شورای نگهبان در جلسه روز ۲۱ شهریور طرح اصلاح قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان را تأیید و سپس طبق روال قانونی، علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی نیز ۲۴ شهریور این قانون را برای اجراء، به دستگاه‌ابلاغ کرد. رویه اجراء این مصوبه مشمول فرستی ۲ ماهه بود و سازمان‌ها و ارگان‌هایی که این قانون برایشان صادق است ظرف ۲ ماه می‌بایست درخصوص اجراء آن اقدام می‌کردند.

این فرصت به سرانجام رسید و اسامی مختلفی در لیستت خداحافظی از مسئولیت قرار گرفتند که از جمله می‌توان به ۱۴ استاندار کشور در استان آذربایجان شرقی، اصفهان، البرز، تهران، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قم، همدان و یزدناشاره کرد.

فرصتی برای ارتقاء

و کارآمدی مدیریت کشور

تصویب اینن قانون بار دیگر میجت قدیمی و جوانگرایی در مدیریت تولید و اعتماد به جوانان و سپردن امور اجرایی به ایشان را در صدر گفت‌وگوهای سیاسی کشور بدل کرد.
موفقین و مخالفین در این ایام ایران نظر کرده و یک دلیل موافقت و مخالفت خود را اعلام کرده‌اند.

هرچند اجراء این قانون می‌تواند برای مدتی، معضلاتی به همراه داشته باشد و برخی جایجایی‌ها در روند کارها اختلال ایجاد کرده و انتخا فرد جایگزین در دوسر ساز باشد، اما به نظر می‌رسد باید این ماجرا را به مثابه فرصتی برای تحقق آرمانی دانست که شاید مدت هاست توسط دلسوزان انقلاب اسلامی مطرح شده است. واقعیت آن است که نظام سیاسی باید مکانیزمی کارآمد برای جرحش شکل مدیران طراحی نماید. در جوانی پتانسیل و توانی است که باید در خدمت مدیریت کشور قرار گیرد. ضمن آنکه در کسب‌االی تجربه و یخچتی وجود دارد. اما آن نیز به کار تدبیر کشور می‌آید. چگونگی استفاده تومان از اینن دو می‌تواند رمز کلیدی موفقیت در این فرآیند باشد.

رهبری و اعتماد به جوانان

رهبری معظم انقلاب اسلامی را می‌توان یکی از

اجتماعیEjtmaee @kayhan.ir

متن‌های طولانی و تحلیلی است امکان دیده شدن را بیشتر از نخبگان گرفته و در عوض به سلبریتی‌ها انتقال داده است. با فراگیری شدن و توسعه شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص اینستاگرام و رشد صفحات شخصی، پدیده سلبریتیسم چند برابر شد و بستری شد تا سلبریتی‌ها، آرزاه و بدون کم‌ترین محدودیتی درباره همه موضوعاتی که می‌خواهند، اظهار نظر کنند. این صفحات شخصی به آنها اجازه می‌داد که پایه‌های احساسات هوادارانشان، که گاه به چند میلیون فالوور یا دنبال‌کننده هم میرسد، در مسائلی غریب و بیگانه با حوزه تخصصی نیز به‌نظریه‌پردازي بپردازند و برای حتی یک سطر نوشته بدون پشتوانه علمی و مستدل، هزاران کامنت تحسین‌برانگیز دریافت کنند. این حجم بالای دنبال‌کننده نسبت به یک سلبریتی با توجه به این نکته که گاهی یک صدم آن حجم انبوه نصیب نخبگان در فضاهای مجازی نمی‌شود، همواره استعدادی بالقوه برای پذیرش آسیب‌ها و خطراتی در حوزه‌های سلامت، امنیت اجتماع و دیگر موارد است.

نخبگان و نویسندگان و اندیشمندانی که تا پیش از این گسترش فضای مجازی با قلمی مفصل و نگاه عمیق و تحلیلی که مقتضی مباحث و مسائل اجتماعی است در مسائل ورود پیدا می‌کردند؟ نخبگانی که حتی اکنون هم با این گسترش شبکه‌های مجازی بسیاری از مردم با چهره و نام آنها در مقایسه با یک بازیگر یا خواننده آشنا نیستند؟ همانگونه که گفته شد این شبکه‌ها بیشتر به نفع سلبریتها بوده تا به واسطه شهرت نام و چهره خویش نظرات نابخسته و علمایه خود را در هر حوزه‌ای نشر دهند و خود را به عنوان یک مرجع فکری برای جوانان و دنبال‌کنندگاناش معرفی کنند.

قرار گرفتن سلبریتی‌ها در جایگاه نخبگان

گسترش فضای مجازی و الزامات و اقتضات آن و کاهش تاثیرگذاری فرهنگ مکتوب و مطالعه باعث شده است تا جوان‌ها به دم‌دست‌ترین گروه‌های به‌ظاهر فکری موجود بدون در نظر گرفتن سطح و عمق تفکر آنان مراجعه کنند، سلبریتی‌ها می‌

وقتی لایک‌های ما نخیه تراشی می‌کند!

تقابل سلبریتیسم

که با احساسات و عواطف طرفداران خوششان روبه‌رو هستند و بر مبنای آن پیام می‌دهند نه پیام‌هایی براساس اندیشه و عمق افکار؛ کسانی که می‌توانند به واسطه شهرتشان سریع‌تر از تباطر برقرار کنند، البته این سخن به معنای بی‌اهمیت جلوه دادن سلبریتی‌ها نیست اما زمانی که یک سلبریتی می‌خواهد نقش نخیه را ایفا کند، باعث می‌شود تا محیط فکری جامعه از یک فضای نخبه‌گرایی به سمت یک فضای پوپولیستی شتاب بگیرد. در نتیجه کار به آنجا می‌رسد که جای نخیه با سلبریتی در لایه‌های اجتماعی عوض می‌شود و کسانی در جایگاه و لایه تولید فکر قرار میگیرند که کوچکترین شایستگی نسبت بدان ندارند.

پر و بال دادن رسانه‌ها به سلبریتی‌ها به جای نخبگان
رسانه‌ها نیز با حمایت از این سلبریتی‌ها عم از خبرنگاران، روزشماران و… و اعطای سلخ‌تمدنده‌القبلی چون «هنرمند مردمی» و «سلبریتی دفعه‌هفتمند» و دادن تیروبن به آنها ودعوتشان در هر مناسبتی، بستری را آماده کرده‌اند تا آنها که پیش از این تنها در قلاب سینما و تلویزیون و… دیده می‌شدند، اینک به مسائلی غریب با حوزه تخصص و سطح آگاهی‌شان ورود پیدا کرده و در آن مسائل نیز صلیایشان به عنوان یک نظریه‌پرداز، مصلح اجتماعی و نجات‌دهنده مردمان تریبخت شنیده‌شود. فاکت بار علمی و تحلیلی منطقی و تنها دارای بار احساسی است.

علت حضور پررنگ سلبریتی‌ها در رخداد‌های منفی اجتماعی
اما در زمینه پرسش‌شان و اینکه چرا جریان سلبریتیسم اکثراً در پدیده‌ها و رخداد‌های منفی اجتماعی حضور می‌یابد، باید گفت همانگونه که پیشتر اشاره شد، اکثر پیام‌های سلبریتی‌ها به دلیل عدم سواط و تخصص کافی در حوزه‌های اجتماعی فاقد بار علمی و تحلیلی منطقی و تنها دارای بار احساسی است.

یک موضوع احساسی غالباً برای اینکه در عمق جامعه نفوذ کند و احساسات مخاطب را به غلیان درآورد نیاز دارد تا به مسئله‌ای پرداخت کند که حس مهربدی در مردم به جوشش درآورد و معمولاً معضلات و ناهنجاری‌های جامعه بیشتر می‌توانند این حس را تحریک کنند. از این رو یک سلبریتی فاقد معلومات در حوزه‌های که ورود کرده به دلیل آنکه قادر نیست تحلیل منطقی و علمی جامعی در آن حوزه ارائه دهد به تشریک سری یک پیام‌های احساسی و فاقد معیارهای منطقی، علمی و عقلانی در آن حوزه بسنده می‌کند. مخاطبین این سلبریتی‌ها نیز به دلیل ذائقه تغییر یافته و عدم طاقث خواندن

من این استست که اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی، و اگر نشاط و روحیه وحالت تحرک، و همچنین بصیرت، یعنی خط‌شکنی‌ها، که در جوان‌ها به عنوان خاصیت وجود دارد، نباشند، ما به آرزمان‌ها دستت پیدا نخواهیم کرد. لذا جوان‌ها در زمینه دسترسی به آرزمان‌ها و تحقق آرزمان‌های انقلاب و آرزمان‌های ستقلال خود عمل نمایند. به واقع جوانان همانطور که در پی تحقق آرزمان‌ها است، باید نقش جوان‌ها را جدی بگیرد؛ و بداندین بنده نقش جوان‌ها را جدی

متن‌های طولانی و تحلیلی است امکان دیده شدن را بیشتر از نخبگان گرفته و در عوض به سلبریتی‌ها انتقال داده است. با فراگیری شدن و توسعه شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص اینستاگرام و رشد صفحات شخصی، پدیده سلبریتیسم چند برابر شد و بستری شد تا سلبریتی‌ها، آرزاه و بدون کم‌ترین محدودیتی درباره همه موضوعاتی که می‌خواهند، اظهار نظر کنند. این صفحات شخصی به آنها اجازه می‌داد که پایه‌های احساسات هوادارانشان، که گاه به چند میلیون فالوور یا دنبال‌کننده هم میرسد، در مسائلی غریب و بیگانه با حوزه تخصصی نیز به‌نظریه‌پردازي بپردازند و برای حتی یک سطر نوشته بدون پشتوانه علمی و مستدل، هزاران کامنت تحسین‌برانگیز دریافت کنند. این حجم بالای دنبال‌کننده نسبت به یک سلبریتی با توجه به این نکته که گاهی یک صدم آن حجم انبوه نصیب نخبگان در فضاهای مجازی نمی‌شود، همواره استعدادی بالقوه برای پذیرش آسیب‌ها و خطراتی در حوزه‌های سلامت، امنیت اجتماع و دیگر موارد است.



رفتار انفعالی نخبگان

با ابراز تأسف باید گفته شود که این شبکه‌ها حتی آثار منفی در جریان نخبگانی داشته‌اند به این صورت که انسان را از تولید منتهای تحلیلی در رابطه با مسائل اجتماعی به ارائه نظر و موضع گیری و نوشتن چند جمله کوتاه تقلیل داده است و این از ویژگی اینگونه شبکه‌هاست که با توجه به ذائقه مخاطب که با منتهای احساسی و دور از تحلیل عقلی عجبین شده، نخبگان را به مسیری هدایت کرده که نوشته‌های خود را به یکسری جملات احساسی و با صرفاً اظهار نظر در مسائل اجتماعی تقلیل دهند.

به عبارت دیگر، اکثریت در جامعه کنونی به دلیل بریدگی از مطالعات مفصل و روی آوردن به متن‌های کوتاه که این مردم محصول شبکه‌های اجتماعی هستند، همواره در جایی متمرکز می‌شوند و مخاطب کسانی می‌گردند که گزیده‌تر، احساسی‌تر، این اساس بسیاری از نخبگان و حتی فعالان انقلابی نیز برای عقب نماندن از این کاروان به تولید متن‌های کوتاه و چند کالکتری که مقتضی اینگونه متون، مباحث عقلی و تحلیلی نیست بلکه بیشتر قالب مباحث احساسی و ناهنایا اظهار نظر است. اکتفا، کرده‌اند و در واقع سا این ذائقه رواج یافته مخاطب همراهی می‌کنند. این مسئله خود آسیب و عارضه‌ای است که جامعه نخبگانی بدان دچار شده و به جای تحلیل، واگویی، وروزش و نظریه پردازی به اظهار نظر و موضع گیری در مسائل جامعه تقلیل یافته است.

فضای مجازی

عرصه جوان سلبریتی‌ها

حال به نظر شما چه کسی در اینگونه فضاها می‌تواند جولان بیشتری دهد؟

لذا تلاش برای پیشرانی و اراده های بلند برای عبور از موانع و مشکلات، ضرورتی تاریخی پیش روی انقلابیون است. در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی این جوانان هستند که در جایگاه پیشرانی انقلاب اسلامی باید نقش آفرین باشند. انقلاب اسلامی که در فرآیند پنج مرحله ای خود اینک در مرحله سوم تحقق دولت اسلامی قرار دارد، در این مرحله نیز به مدیران جوانی نیازمند است که بتوانند به وظایف انقلابی خود عمل نمایند. به واقع جوانان همانطور که در خیزش اسلامی ملت ایران علیه رژیم پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی نقش آفرین بودند، امروز



نیز پیشگام و پیش‌ران حرکت انقلاب در شکل دادن به دولت اسلامی به حساب می‌آیند. از نگاه رهبری «مجموع آحاد ملت و کشور مأموریت دارند انقلابیان را حفظ کنند؛ این وظیفه همه ما است». اما جوان پیش‌ران است، موتور حرکت است. (۹۵/۳۲) نگاه ایشان حتی «گدیشه پیران و فکر و تجربه آنها نسل جوان بعد از خودش و این سلسله تمام‌شدنی است» (۹۵/۳۲)

لذا امروز که سخن از تغییرات در کابینه دولت با هدف چابک‌سازی و کارآمدسازی مناسب با شرایط حساس کشور و بالاصح قرار گرفتن در جنگ اقتصادی مطرح است، به نظر می‌رسد رویکرد جوانگرایی و توجه به سیره حضرت امام(ره) و رهنمودهای رهبری می‌تواند راهکاری عملی (برای دولتمردان در جهت حل مشکلات باشد. **جوانان؛ پیش‌ران‌های انقلاب**
انقلاب اسلامی تا تحقق و رسیدن به آرمان‌های خود هنوز فاصله بسیاری دارد که باید طی نماید.

صفحه ۸
سه‌شنبه ۲۰ آذر ۱۳۹۷
۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ - شماره ۲۲۰۷۱

مطالب تحلیلی مفصل در آن حوزه، به خواندن همین چند جمله احساسی اکتفا کرده و با لایک کردن آن، موجب شغف خواننده می‌شوند. حال سلبریتی متوهمی که خود را در برابر انبوهی از لایک‌ها می‌بینند، در مقابل مخاطبین و ایضا جامعه احساس وظیفه می‌کند و با تومج اینکه اکنون به یک مصلح اجتماعی و یا یک نخیه تبدیل شده به راحتی هرچه بیشتر در سایر مسائل اجتماعی البته بیشتر از سنخ ناگوار و تلخ آن نظریه پردازی میکند.

با این توضیحات تا حدی معلوم می‌شود که چرا جریان سلبریتیسم در برابر رویدادهای مثبتی چون نامه امام جمعه مذکور یا بسیاری اتفاقات مثبت و محضر به فرد دیگر در جامعه ما هیچ واکنشی نشان نمی‌دهند، اماای بسا که همین امام جمعه حرکتی منفی انجام می‌داد. همچنین مشخص می‌شود که چرا جریان سلبریتیسم در برابر مسائلی چون هزینه‌های چند ده میلیون توره‌های اروپایی و آمریکایی و… هیچ پیشنهادهی دال بر ترفتن به این سفرها و دادن پول آن به نیازمندان جامعه نمی‌دهند

اما آنگاه که نوبت به سفرهای زیارتی و یا رایعبین می‌شود داد آنها بلند استا همچنین معلوم می‌شود که چرا جریان مذکور در هر مسئله‌ای بدون کوچکترین تخصص و سواد کافی ورود و نظر میدهد و مثلا به خود اجازه تجویز آمبول خطرناک برای

تقابل سلبریتیسم

مردم می‌دهد و البته نمونه‌های بسیار زیادی از اظهار نظرهای عجیب و کم مایه از این دست هم در بین این جماعت وجود دارد.

دفع یک توهم

حال ممکن است برخی از سلبریتی‌ها بگویند ما نیز مانند همه مردم و طبق آزادی بیان می‌توانیم در مسائل گوناگون نظر خود را ارائه کنیم. برای دفع این توهم باید گفته شود که این حرف یک مغالطه است، زیرا یک فرد عادی اگرچه در مسئله‌ای موضعی اتخاذ کند و با نظری بدهد، این موضوع و نظر وی نه توانایی این را دارد که خلل و آسیبی به گروهی از مردم وارد کند و نه می‌تواند باخوردی داشته باشد اما موضع‌گیری‌ها که اظهار نظرهای یک چهره با تعداد کثیری دنبال‌کننده و بازدیدکننده کاملاً توانایی تاثیرگذاری ولو در سطح دوستداران آن فرد را دارد. بر این اساس اظهارات و موضع‌های یک چهره باید کاملاً دقیق، تحلیل شده و در راستای مصالح جامعه باشد و اگر در مورد شک داشت حق سخن گفتن در آن مورد را ندارد تا اگر رسد به سخن گفتن در مسائلی که فاقد علم در آنهاست که در این صورت باید ثابت نشر مطالب خلاف واقع و یا جرح امنیت و سلامت جامعه مورد بازخواست قرار گیرد. البته نکته تأمل‌برانگیز دیگر حضور پررنگ این سلبریتی‌ها در ایام انتخابات و تبلیغ برای فلان جریان و نامزد است بدون اینکه این سلبریتی‌ها توانایی مرجعیت فکری و تخصصی جامعه را داشته باشند و سوء استفاده مردان سیاست از این خرجه معیوب نکته مهم دیگری است که باید در جای خود بیشتر مورد توجه قرار گیرد. توهم نادایی برخی هم تا انجا پیش می‌رود که از تئوریست‌ها و فالتان فرزندان این سرزمین دفاع هم می‌کند.

سخن آخر

نکته پایانی اینکه همانطور که گفته شد اکنون ما میراث دار قرن‌ها زحمت و تلاش نخبگان و اندیشمندان هستیم و باید ضمن انتقال این میراث گران بها به نسل‌های بعد به غنا و ارزش این میراث بپردازیم. این مهم بیش از هر چیز با یاد دادن به نخبگان و دانشمندان فراوانی که داریم رقم خواهد خورد. جوانان که سرمایه اصلی این کشور هستند نیز باید با هوشیاری مراقب سرگرم شدن مغرب و بی‌حاصل در صفحات خودنمایی سلبریتی‌ها باشند تا این استفاده‌هاو توانایی و عمر گرانبهائی آنها به درستی در مسیر پیشرفت و غنی‌سازی بیش از پیش فرهنگ و تمدن این کشور به کار گرفته شود.

مطلبه یادآوری می‌فرمایند: «اگر صحبت‌

این کارهای فناوری پیچیده است، همین جوان‌ها هستند؛ انرژی هسته‌ای را هم جوان‌های ما دارند سرر پا می‌کنند؛ در سلولول های بنیادی هم جوان‌های ما دارند فعالیت می‌کنند؛ و در فناوری زیستی، فناوری نانو و انواع و اقسام فناوری‌ها، هر جا می‌رویم جوانان هستند؛ جوان‌های این ملت در همه میدان‌ها توانست‌اند برتری‌ها و درخشندگی‌های خود را به اثبات برسانند.» (۸۷/۱/۲۷)

معلم‌ه یادآوری می‌فرمایند: «اگر صحبت‌ کارهای فناوری پیچیده است، همین جوان‌ها هستند؛ انرژی هسته‌ای را هم جوان‌های ما دارند سرر پا می‌کنند؛ در سلولول های بنیادی هم جوان‌های ما دارند فعالیت می‌کنند؛ و در فناوری زیستی، فناوری نانو و انواع و اقسام فناوری‌ها، هر جا می‌رویم جوانان هستند؛ جوان‌های این ملت در همه میدان‌ها توانست‌اند برتری‌ها و درخشندگی‌های خود را به اثبات برسانند.» (۸۷/۱/۲۷)

معلم‌ه یادآوری می‌فرمایند: «اگر صحبت‌ کارهای فناوری پیچیده است، همین جوان‌ها هستند؛ انرژی هسته‌ای را هم جوان‌های ما دارند سرر پا می‌کنند؛ در سلولول های بنیادی هم جوان‌های ما دارند فعالیت می‌کنند؛ و در فناوری زیستی، فناوری نانو و انواع و اقسام فناوری‌ها، هر جا می‌رویم جوانان هستند؛ جوان‌های این ملت در همه میدان‌ها توانست‌اند برتری‌ها و درخشندگی‌های خود را به اثبات برسانند.» (۸۷/۱/۲۷)

معلم‌ه یادآوری می‌فرمایند: «اگر صحبت‌ کارهای فناوری پیچیده است، همین جوان‌ها هستند؛ انرژی هسته‌ای را هم جوان‌های ما دارند سرر پا می‌کنند؛ در سلولول های بنیادی هم جوان‌های ما دارند فعالیت می‌کنند؛ و در فناوری زیستی، فناوری نانو و انواع و اقسام فناوری‌ها، هر جا می‌رویم جوانان هستند؛ جوان‌های این ملت در همه میدان‌ها توانست‌اند برتری‌ها و درخشندگی‌های خود را به اثبات برسانند.» (۸۷/۱/۲۷)

ملاحظات جوانگرایی

در مدیریت کشور

البته تصویب قانون ممنوعیت به‌کارگیری بازنشستگان و اجرایی کردن آن باید با ملاحظاتی همراه باشد:

۱.متأسفانه فضای سیاسی کشور به نحوی شکل گرفته که هر سوزه‌ای ظرفیت تبدیل شدن به اختلاف و دوقطبی شدن را دارد. با‌الاصح آنکه این دوگانگی بر رقابت‌های سیاسی – جناحی نیز تطبیق یابدا آنگاه باید منتظر باشیم که اثر کابر مانده و فرصت‌های زیادی در کشور به هدر رود! کحال موضوع جوانگرایی در مدیریت به قانونی اجرایی بدل

سازمان‌های مختلف را حل نماید.

۲.متأسفانه فضای سیاسی کشور به نحوی شکل گرفته که هر سوزه‌ای ظرفیت تبدیل شدن به اختلاف و دوقطبی شدن را دارد. با‌الاصح آنکه این دوگانگی بر رقابت‌های سیاسی – جناحی نیز تطبیق یابدا آنگاه باید منتظر باشیم که اثر کابر مانده و فرصت‌های زیادی در کشور به هدر رود! کحال موضوع جوانگرایی در مدیریت به قانونی اجرایی بدل

سازمان‌های مختلف را حل نماید.